

انطباق پذیری سیاست خارجی دولت‌های پس از دفاع مقدس با اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی

(با تأکید بر اصول استکبارستیزی، همگرایی اسلامی و منزلت گرایی)

سید محمد کاظم حجازی*

حسن رحیمی (روشن)**

چکیده

سیاست خارجی جمهوری اسلامی مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی - شیعی بنانهاده شد؛ و در سه دهه گذشته نیز این الگو، روندی همراه با تغییر و تداوم را حفظ کرده است. از یک سو اصول، جهت‌گیری و اهداف بنیادی سیاست خارجی نسبتاً پایدار و ثابت مانده است که موجب استمرار و ثبات نسبی آن گشته است و از طرف دیگر، تغییر و تحولات عینی و ذهنی در محیط‌های سه‌گانه داخلی، خارجی و روانی مستلزم انطباق تاکتیکی و ابزاری بوده است. لذا این تحقیق باهدف، بررسی رویکرد سیاست خارجی دولت‌های پس از دفاع مقدس (حداقل سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲) با محوریت ارزش‌ها و هنجارهای جمهوری اسلامی در سه بعد استکبارستیزی، منزلت‌افزایی و همگرایی اسلامی انجام پذیرفته است. روش تحقیق در این مقاله کیفی - کمی است. جامعه آماری این تحقیق شامل صاحب نظران و اساتید دانشگاه و بهره‌مندی از مصاحبه با کارگزاران سیاست خارجی در دوره‌های مختلف هست که در شناسایی مؤلفه‌های

*. دانش آموخته دکتری تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه بو علی سینا (نویسنده مسئول)

mi.smk.hejazi@gmail.com

h.rahimiroushan@basu.ac.ir

** استاد یار گروه علوم سیاسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۹

مورد مقایسه و در جمع‌آوری داده‌های نهائی پرسشنامه از نظرات آنها استفاده شده است. بعد از طراحی پرسشنامه بومی شده، روایی محتوا با استفاده از نظرات خبرگان بررسی و بعد از چندین مرحله اصلاحات نسخه نهایی پرسشنامه تنظیم و توزیع گردید. همچنین مقدار آلفای کرونباخ جهت بررسی پایایی تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS محاسبه و برای تمام متغیرها مقداری بالاتر از ۰/۷ بوده است که نشان دهنده اعتبار پرسشنامه و برداشت فکری مناسب و یکسان پاسخگویان از محتوای متغیرهای مربوط به هر سازه بوده است برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از آمار توصیفی و استنباطی شامل آزمون تحلیل واریانس؛ آزمون تعقیبی بونفرنی و آزمون تی استفاده شده است. نتایج مطالعه حاکی از تفاوت معنادار تطبیق پذیری دولت‌ها در شاخص استکبارستیزی و همگرایی اسلامی و عدم تفاوت معنادار در شاخص منزلت‌افزایی در بین دولت‌ها بوده است.

واژگان کلیدی

سیاست خارجی - دولت‌های پس از جنگ هشت ساله - همگرایی اسلامی - استکبارستیزی - منزلت‌افزایی و نفوذ.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به دلیل ویژگی‌های خاص و جهت‌گیری جهان شمول آن، در کلیه سیاست‌های اعلامی و اعمالی، در نوع خود ویژه و منحصر به فرد بوده است؛ بنابراین، پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی که محصول دگرگونی عمیق در ساختار سیاسی کشور بود، تحولی نوین نه تنها در عرصه تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران، بلکه در گستره جهانی اسلام پایه گذاری و آغاز گردید و به موازات تغییرات بنیادین در چارچوب حکومت و اداره کشور، دیپلماسی هم دستخوش تحولات عمیقی گردید که در این راستا مبانی ارزشی انقلاب، الهام گرفته از احکام دین مبین اسلام، اهرم تغییرات را در ساختار دیپلماسی بر عهده داشتند. براین اساس روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران تا حدود زیادی وابسته به تحولات داخلی کشور و تغییر پسانقلابی بوده است (Halliday, 2001: 42 - 47). نفی وضعیت موجود جهانی با تأکید بر ایدئولوژی اسلام انقلابی، که پدیده نوظهوری در جهان محسوب می‌شد، تفاوت در سیاست‌های کلی داخلی و خارجی را در پی داشت؛

سیاست کلی انقلاب و رهبران اصلی آن که در قانون اساسی نیز متبلور شده بر نفی وضع موجود در جهان و نفی جریان سلطه جهانی استوار بوده است؛ اما عملکرد دولت‌ها در این حوزه و همچنین در حوزه‌های دیگر معمولاً با چالش‌های نظری موافق و مخالف مواجه شده است (دهقانی، ۱۳۸۸: ۱۲). از این نظر سیاست خارجی جمهوری اسلامی به مثابه لوحی سفید می‌ماند که خوانش‌ها و روایت‌های متفاوت و حتی گاه متضادی از اصول مندرج در آن شده است و می‌شود (حق پناه، ۱۳۹۰: ۸). ظهور و بروز گفتمان‌هایی که در برداشت از گاه حتی در دو سر یک طیف قرار می‌گیرند و موجبات انقطاع در پیوستار سیاست خارجی جمهوری اسلامی را فراهم می‌کنند، خود بزرگ‌ترین نشانه از عدم اجماع بر سر تفسیر ارزش‌ها و اصول سیاست خارجی یا دست‌کم مکانیسم‌های حفظ اصول مزبور در روش و بینش دولت‌ها در سیاست خارجی انقلابی و اسلامی ایران طی چند دهه گذشته است (رمضانی، ۱۳۸۰: ۲۱). با این وصف، یک مسئله اساسی همواره این بوده است که بتوان به بررسی و تشخیص پایبندی دولت‌ها و گفتمان‌های فوق به اصول مزبور پرداخت. از جمله مهم‌ترین اصول انقلاب اسلامی که محور تطبیق پذیری میان دولت‌ها محسوب می‌شود و هدف این مقاله بررسی آنها هست جایگاه شاخص‌های استکبارستیزی، همگرایی اسلامی و منزلت‌افزایی در سیاست خارجی دولت‌های پس از جنگ و مقایسه آنها هست؛ بنابراین سؤالاتی از این قبیل مطرح می‌شود:

- آیا شاخص استکبارستیزی، رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های پس از جنگ را تشکیل می‌دهد؟
- آیا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های پس از جنگ باهدف همگرایی اسلامی جهت‌گیری شده بود؟
- آیا منزلت‌افزایی و نفوذ یکی از مؤلفه‌های رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های پس از جنگ بوده است؟

در این تحقیق نگارنده به واسطه اینکه تلاش کرده تا از بررسی صرف و توصیفی سیاست خارجی ایران فراتر رود، از روش تحقیق ترکیبی استفاده کرده است؛ یعنی ابتدا ویژگی‌ها و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی را از قانون اساسی و فرمایشات و انتظارات امام عج و رهبر انقلاب استخراج نموده و سپس این ویژگی‌ها و اصول، با راهبرد دولت‌ها موردسنجش قرار گرفته است سپس مطابق این روش تحقیق، به صورت توصیفی به انتخاب کدهایی برای مقایسه سیاست خارجی دولت‌های مختلف پرداخته است. در مرحله بعد که نوآوری تحقیق هم محسوب می‌شود پس از مشورت با متخصصان سیاست خارجی، شاخص‌های تأثیرگذار انتخاب شده‌اند. این شاخص‌ها در سه

مرحله گزینش و درنهایت کدهای نهایی جهت تنظیم پرسشنامه استخراج شده‌اند. ویژگی این روش ترکیبی این است که داده‌های کیفی و کمی درنهایت باهم مقایسه می‌شوند و می‌تواند نتایج تحقیق را تقویت کند.

پیشینه تحقیق

حسین‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۶)، در کتاب گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران»، پس از طرح مباحث نظری، گفتمان‌های اصلی دولت‌های بعد از انقلاب در چهار مقطع پیروزی و تثبیت، دفاع مقدس، دوران سازندگی و دوران حکومت اصلاح‌طلبان، سه هدف عمده‌ی توسعه‌ی سیاسی، عدالت اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی را تحت عنوان الگوها و نظریه‌های مختلف توسعه مطرح کرده و به تحلیل آن می‌پردازد. نویسنده اهداف و وظایف دولت در جامعه را وظایف سیاسی و اجتماعی دانسته و نقش دولت در امر توسعه را یکی از وظایف مهم می‌شمارد و کمال حکومت‌ها و دولت‌ها را در مشروعیت نمی‌داند. وی معتقد است علاوه بر آنها باید به انجام کارهایی مهم از جمله توسعه نیز دست یابد. بخش عمده‌ای از کتاب، به اهداف و برنامه‌های دولت‌های «بازرگان»، «میرحسین موسوی»، «هاشمی رفسنجانی» و «خاتمی» اختصاص دارد.

دهقانی فیروزآبادی و ذبیحی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تاثیر هویت اسلامی - انقلابی بر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‌ای در دوره خاتمی و احمدی نژاد» معتقدند که این هویت باعث تداوم رفتار سیاست خارجی ایران در بسیاری از موارد از ابتدای شکل‌گیری انقلاب ۱۳۵۷ تا به امروز شده است. این تداوم رفتار برگرفته از هویت خاص اسلامی - انقلابی در موضوع هسته‌ای ایران نیز قابل فهم و مشاهده است. اما رفتار دو دولت خاتمی و احمدی نژاد علارغم تعهد هویتی، با توجه به نیات کشورهای غربی و واقعیت‌های ژئوپلیتیکی طیفی از همسویی تا رفتار تهاجمی را در پی داشته است.

رضانی (۱۳۸۳)، در اثر خود با عنوان «چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» در کنار بحثی نظری در خصوص بررسی سیاست خارجی جوامع در حال نوسازی، سیر کلی تحول سیاست خارجی ایران پس از انقلاب تا دوران اخیر را ترسیم کرده و پیش‌بینی‌هایی نیز در مورد نقش ایران در هزاره سوم میلادی مطرح گردیده است.

محمدی و مولانا (۱۳۸۸) در کتاب مفصل خود با عنوان «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی نژاد»، ضمن ارائه تعریف سیاست خارجی و بررسی‌های نظری، ۷ نهاد را به

عنوان نهادهای تصمیم‌گیری در سیاست‌های خارجی ایران می‌دانند که شامل مقام معظم رهبری، ریاست جمهوری، هیئت دولت، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی امنیت ملی، شورای نگهبان و وزارت امور خارجه می‌شوند. ایندو سپس تاریخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی را پس از انقلاب در پیوند با ارزش‌ها و آرمانهای امام و مقام معظم رهبری برمی‌شمارند و در نهایت به سیاست خارجی دولت نهم می‌پردازند. از دید آنها سیاست خارجی دولت نهم، تعامل سازنده و اثرگذار، به معنای اتخاذ سیاست فعال، قاطعانه، پویا و تصمیم‌گذار می‌باشد و آن را فصل جدیدی در سیاست‌گذاری و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران می‌داند و مسیر آن را خروج از تنش زدایی و رفتن از جایگاه متهم به مدعی است.

میرزایی (۱۳۹۲)، معتقد است پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، نقطه‌ی عطف بزرگی در تاریخ ایران به‌شمار می‌رود. این انقلاب توانست ضمن فروپاشی نظام شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله، منادی نظامی شود که برخاسته از بطن جامعه بوده و دارای مولفه‌های اسلامی شیعی است. از دید او پیروزی انقلاب اسلامی، موجب یک چرخش ایدئولوژیک و استراتژیک در سیاست خارجی نیز شد. در این میان پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ و سپس سال ۱۳۸۸ نقطه عطف جدیدی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به دلیل تأکید بر موضوع هولوکاست و موجودیت اسرائیل به‌شمار می‌رود. سوالی که وی در مقاله خود مطرح می‌کند این است که سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد (نهم و دهم) در قبال مسئله اسرائیل و هولوکاست چگونه بوده است؟ فرضیه او نیز این است که سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد در قبال اسرائیل تهاجمی بوده و همواره تلاش نموده تا بوی هولوکاست را بشکند و از آرمان فلسطین حمایت کند.

ازغندی (۱۳۷۸) در مقاله خود با عنوان «تنش زدایی در سیاست خارجی: مورد جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۷ - ۱۳۷۸)» ضمن بررسی ریشه‌های تنش‌زدایی در بعد نظری و سپس خرده‌گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی در ایران انقلابی، وقوع تحولاتی همچون جنگ و خرابی‌های ناشی از آن را از عوامل روی آوردن دولت هاشمی و سپس خاتمی به تنش‌زدایی می‌داند.

شاخصه‌های سیاست خارجی دولت‌های پس از جنگ

با فروپاشی رژیم پهلوی در بهمن ۱۳۵۷ گفتمان حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به کلی متحول شد. در پیش گرفتن سیاست مهار انقلاب اسلامی و حتی تغییر حکومت در فضای جنگ سرد توسط ایالات متحده آمریکا و اهداف و اصول انقلابیون ایران باعث شد تا سیاست خارجی ایران

در این دوره ویژگی‌های خاصی به خود بگیرد. با گذر از جنگ هشت ساله و به قدرت رسیدن دولت سازندگی و سپس اصلاحات و دولت عدالت محور این شاخص‌ها تداوم پیدا کرد. ازجمله مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاست خارجی دولت‌ها در این دوره استکبارستیزی، همگرایی اسلامی و منزلت‌افزایی و نفوذ بوده است. در این بخش از تحقیق، نویسنده تلاش می‌کند تا به بررسی این شاخص‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بپردازد.

۱ - ۱ استکبارستیزی در انقلاب اسلامی ایران

ریشه‌های مفهوم و مصداق استکبار را می‌توان در دین اسلام و کتاب آسمانی جستجو کرد. این واژه به معنای اظهار برتری در زمین و بر دیگران بزرگی فروختن و خود را قاهر و مسلط دانستن است. در آیات مختلف قرآنی ماهیت قدرت‌های استکباری و صفات و عملکردهایشان در هر عصری معرفی شده است. قرآن، مستکبران را در مقابل ضعیفان قرار داده است؛ به جهت آگاهی دادن به این نکته که استکبار آنان، به علت قوه و نیروی بدنی و مالی آنها بوده است و در جای دیگر، مستکبران را در مقابل مستضعفان قرار داده است. در اصطلاح علوم اسلامی، استکبار همواره با واژه‌هایی نظیر «ظلم» و «طاغوت» همراه است. استکبار از دیدگاه فرهنگ سیاسی اسلام، وجود نوعی سلطه‌گری، سلطه جویی، استعمار و بهره‌کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت محدودی زورگو و نفع طلب بر خیل عظیم توده‌های محروم می‌باشد. این عمل، می‌تواند داخلی باشد؛ به همان طریق که یک عده دیکتاتور و زورگو بر ملت‌های محروم تحت سلطه‌ی خود حاکمیت داشته، آنها را تحت فشار و ظلم قرار دهند و هم‌چنین می‌تواند بین المللی باشد؛ بدین معنی که دولت و یا کشوری، سایر ملت‌ها را استثمار و به استضعاف بکشاند که نمونه‌ی بارز آن اعمال سیاست‌های استعمار گونه و امپریالیستی قدرت‌های بزرگ شرق و غرب در جهان هست. امروزه در فرهنگ سیاسی دنیا، واژگانی نظیر «استعمار» و «امپریالیسم» نیز در رساندن مفهوم فوق به کار می‌روند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴).

براین اساس است که انقلاب اسلامی خود را وامدار قرآن و دین اسلام می‌داند. انقلاب اسلامی ایران دارای شاخصه‌ها و مؤلفه‌های گوناگونی است که یکی از ویژگی‌های اصلی و بارز آن مؤلفه استکبارستیزی است که آن را می‌توان در اصل «نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی» دید. این اصل بیانگر عدم وابستگی انقلاب اسلامی ایران به دو اردوگاه شرقی و غربی است و مخالف بسیاری از انقلاب‌های سده بیستم که به نوعی در سایه حمایت از اردوگاه شرق یا غرب به پیروزی می‌رسیدند هست. از این رو شعار «نه شرقی - نه غربی جمهوری اسلامی» نشانگر آن است که اسلام و نظام بر

خواسته از آن همواره در مقابل سلطه جویی‌های مستکبران بوده است. بر همین اساس از ابتدای انقلاب اسلامی ایران، این نگرش و سیاست به یکی از عناصر محوری در سیاست جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد (ازغندی، ۱۳۷۸). استکبارستیزی در سیاست خارجی ایران ریشه در اندیشه‌های حضرت امام خمینی - که او خود متعهد به ارزش‌های قرآنی و دینی است - داشته است. امام خمینی در بخش اعظم زندگی خود یک سیاستمدار یا غیرمعمم نبود بلکه یک روحانی طرفدار شاخه اصول اسلام شیعی محسوب می‌شود. دکترین سیاست خارجی امام در سیاست عدم اتحاد که در «نه شرقی، نه غربی» تجسم پیدا می‌کند نشان داده شد. هدف امام از این سیاست، جلوگیری از نفوذ بیگانگان و کشورهای غیر اسلامی در ایران بود. بر همین اساس است که او تأکید می‌کند: ما باید منزوی شویم تا مستقل شویم (Walt, 1997: 265).

در این گفتمان، امام خمینی مرز مشخص و روشنی میان اصول سیاست خارجی و اسلام ترسیم می‌کند. رابطه با قدرت‌های بزرگ می‌بایست در چارچوب اصول اسلامی باشد و پیشنهاد می‌کند که شعار نه شرقی و نه غربی بخشی از اصول سیاست خارجی بوده و اسلام، طرد این قدرت‌های اسلامی را خواستار می‌شود. در اینجاست که بعد استکبارستیزی وی نمود پیدا می‌کند. جایی که به رد شیطان بزرگ که منظور آمریکاست می‌پردازد و دشمنی بانفوذ خارجی به ویژه آمریکا یک اقدام نیکوکارانه مذهبی تلقی می‌شود. وی زمانی که در مقابل شعار نه شرقی و نه غربی، نوع حکومت جمهوری اسلامی را پیشنهاد می‌کند به معنی پیوند و تأسیس این آخری وارد قدرت‌های غیر اسلامی است (Delgado, 2015: 154).

بنابراین مؤلفه مهم استکبارستیزی در سیاست خارجی ایران مبتنی بر قاعده نفی سبیل یا سلطه بر مسلمانان است. می‌توان استدلال کرد که مهم‌ترین شاخص رفتاری سیاست خارجی ایران در چند دهه گذشته، ضدهژمون گرایی یا استکبارستیزی بوده که به شکل‌گیری نقش آفرینی ویژه هویت در سیاست خارجی ایران منجر شده است: ایران به عنوان یک کشور مستقل (Moshirzadeh, 2007: 529). ایران عصر جمهوری اسلامی در سیاست خارجی خود بشدت و قویاً ضد هژمونیک بوده و تلاش کرده تا انحصارگرایی قدرت‌های ستمگر را در سیستم بین‌المللی به چالش کشیده و حذف همه انواع ستمگری و استعمار و امپریالیسم را دنبال کرده است. در حقیقت، سیاست‌های ضدآمریکایی و ضد غربی ایران را می‌توان در متن این اهداف و انگیزه‌ها درک کرد (Dehghani, 2008: 7). برای تحقق عملی آرمان استکبارستیزی، ایران به دنبال همکاری هدفمند و ائتلاف و اتحاد در میان نیروهای ضدهژمون در سطوح مختلف فردی، دولتی و غیر

حکومتی بوده است. در این راستا ایران تلاش‌های خود را برای شکل‌دهی به جبهه ضد استکباری بر کشورهای جهان سوم، جهان اسلام و قاره آسیا متمرکز کرد (Dehghani Firozabadi, 2008: 19).

جمهوری اسلامی ایران در راستای سیاست ضد استکباری و ضد امپریالیستی خود دو استراتژی مهم را در پیش گرفت: سیاست نگاه به شرق ۱ و ائتلاف جنوب - جنوب. با سیاست نگاه به شرق ایران تلاش کرد تا پیوندهای نزدیک‌تری با قدرت‌های شرقی به ویژه روسیه و چین برقرار کند و همچنین تلاش کرده تا به عضویت کامل سازمان همکاری‌های شانگهای دربیاید. مقامات ایرانی معتقدند محور ضد امریکایی قدرت‌های هسته‌ای مانند روسیه، چین، هند و ایران، توان ایجاد یک قطب مستقل و متشکل از قدرت‌های اصلی در آسیا - که به مخالفت با سیاست‌های آمریکا پردازد - را دارا بوده و توان بازدارندگی در مقابل حمله نظامی این کشور به ایران را از خود نشان می‌دهد. پیشینه این سیاست به دوران پس از حمله عراق به ایران و مسجل شدن دشمنی آمریکا با ایران برمی‌گردد. در طول مهر و موم‌های پس از جنگ هشت ساله، ایران همواره به دنبال ایجاد ائتلافی بود که مخالف منافع آمریکا در خاورمیانه و آسیای مرکزی بوده باشد. با پیگیری استراتژی ائتلاف جنوب - جنوب نیز مقامات ایران تلاش می‌کنند تا تهدیدات غرب اعم از نظامی و تحریم‌های اقتصادی را خنثی کنند. بر اساس این سیاست ایران همواره کوشیده تا در زمان اوج تهدیدات، در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، حمایت کشورهای غیرمتعهد. را در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به دست آورد. در اوت ۲۰۰۹ ایران جهت بازدارندگی در مقابل حمله نظامی رژیم صهیونیستی حمایت بیش از ۱۰۰ کشور غیرمتعهد را کسب کرد (ABC News, August 26, 2009) و بر همین اساس در ۲۹ فوریه ۲۰۰۸ نمایندگان جنبش عدم تعهد در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به اتفاق آراء در حمایت از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران رأی دادند (Mohammad Nia, 2011: 284).

ایران همچنین کوشید تا ائتلاف جنوب - جنوب را به سمت کشورهای آمریکای لاتین همچون ونزوئلا، نیکاراگوئه، بولیوی و کشورهای ضد امپریالیسم گسترش دهد. مخالفت با امپریالیسم، نتولیرالیسم و جهانی شدن از جایگاه قربانی شدن جهان سوم، عنصر اصلی همبستگی سیاسی میان ایران و این کشورها بوده است. در این راستا احمدی‌نژاد تلاش کرد تا ائتلاف ایران و ونزوئلا را به عنوان یک مدل الگو برای ضدیت با امپریالیسم معرفی کند (Ratius & Furtig, 2009). رهبر انقلاب نیز مکرراً بر مخالفت با امپریالیسم تأکید کرده و استکبارستیزی را اصل اساسی

سیاست خارجی ایران نامید. وی به‌عنوان عنصر اصلی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی استدلال می‌کند که ما هرگز در مقابل رفتار امپریالیستی مسامحه به خرج نخواهیم داد و مقابله با سیستم امپریالیستی جهانی و نابودی معادله حاکم و محکوم مؤلفه جدانشدنی دیپلماسی ماست (Iran Newspaper 20/08/2007). از این منظر انقلاب ۱۳۵۷، حذف نفوذ خارجی در ایران قلمداد می‌شود.

۱ - ۲ همگرایی اسلامی

برای بسیاری از ناظران، انقلاب اسلامی چرخشی از منافع ملی پراگماتیک بوده است. نگرش جهانی امام خمینی و پیروان او در داخل و خارج باعث شد تا چنین نتیجه‌گیری حاصل شود. امام، مفهوم منافع امت اسلامی را ارزش بخشیده و بارد مفهوم ناسیونالیسم، ایده منافع ملی سکولار را به نوعی تنزل بخشید. او همچنین سیستم موجود بین الملل که متشکل از دولت‌هاست را با این استدلال که کرامت انسانی را تضعیف می‌کند کم ارزش شمرد و در مقابل از نظم جهانی اسلامی به نفع انسان هواداری کرد (Ramazani, 2004: 7). در اندیشه امام اسلام متعلق به طایفه خاصی نیست. اسلام برای بشر آمده است؛ نه برای مسلمین و نه برای ایران. از همین جاست که همگرایی اسلامی به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی سیاست خارجی ایران مطرح می‌شود. وحدت یا همگرایی اسلامی به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی شناخته شده است. این گفتمان توسط سیاست امت اسلامی شامل همه جوامع اسلامی در اولین روزهای انقلاب ایران شروع شده است. براین مبنا جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند تا وحدتی را در میان دولت‌های اسلامی ایجاد کرده و آنها را قادر کند تا نقش مهمی در تأسیس یک سیستم عادلانه در جهان اسلام ایفا کنند. مفهوم همگرایی یا انسجام اسلامی در اصل به گسترش پیوندهای اقتصادی و فنی در میان کشورهای اسلامی اشاره دارد که این پیوندها، قابلیت تسری به حوزه‌های امنیتی و سیاسی و درنهایت حوزه فرهنگی را پیدا خواهد کرد و باعث ایجاد مکانیسم‌های حل مناقشات می‌شود (Gharayagh Zandi, 2007: 74). در این راستا امام خمینی بنیان‌گذار انقلاب، همگرایی کشورهای اسلامی را به عنوان یک ضرورت عملی می‌دانست که سیاست خارجی ملزم به انجام آن است. از دید او برنامه اسلامی ما ایجاد نوعی یکدلی در میان مسلمانان جهان و کشورهای اسلامی است تا برادری و اخوت را میان مسلمانان جهان و سپس تمام حکومت‌های اسلامی جهان برقرار کنند (Khomeini, 1982: 83 - 8). آیت الله خامنه‌ای نیز در اجلاس دوروزه درباره بحران غزه در سوم مارس ۲۰۰۹ می‌فرمایند «کلید راه‌حل بسیاری از مسائل کشورهای مسلمان، استواری و

انسجام این کهکشان شگفت انگیز است» (Press TV, 2009).

در حقیقت سیاست صدور انقلاب با سیاست همگرایی اسلامی که بیشتر با شرایط عصر حاضر مطابق داشته جایگزین شده است. هدف اول این سیاست، کشورهای اسلامی همچون لبنان، الجزایر، سوریه و ... هستند که بر اساس اصول اسلامی اداره می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران به دنبال همگرایی بیشتر و روابط برادرانه با این دسته از کشورها بوده است (Norouzi, 2004: 208 - 9). برعکس سیاست صدور انقلاب، سیاست همگرایی اسلامی روش جدیدی برای ترویج انقلاب است. این استراتژی درصدد معرفی جمهوری اسلامی به عنوان یک الگوی مناسب برای سایر کشورهای مسلمان است.

۱ - ۳ منزلت افزایی و نفوذ

آنچه امروزه در روابط بین کشورها در نظام بین الملل اهمیت زیادی دارد و از جمله عناصر و مؤلفه‌های اصلی قدرت یک کشور محسوب می‌گردد ظرفیت قدرت نرم آن کشور در محیط بین المللی است. این شاخصه است که می‌تواند به افزایش منزلت و نفوذ یک کشور در سطح بین المللی منجر شود. محیط امروز بین المللی که دوران گذار خود را طی کرده و به تعبیر جوزف نای عرصه انتقال تدریجی قدرت از شرق به غرب محسوب می‌شود بیش از هر چیز پذیرای مؤلفه‌ها و کاربست‌های دیپلماسی عمومی و فرهنگی - که زمینه نفوذ در افکار و اذهان ملت را فراهم می‌کند - است. استفاده از نیروی نظامی برای کسب استیلا و نفوذ در میان ملت‌های دیگر، کارایی خود را ازدست داده و هیچ ملتی دیگر زیر بار ظلم و اشغال نظامی نمی‌رود. از همین روست که سرمایه‌گذاری‌های کشورها در زمینه نفوذ در اذهان و قلب‌ها، افزایش بسیار یافته و اقبال به این نوع از مؤلفه‌های استیلا و نفوذ نرم اهمیت فراوان یافته است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که ظرفیت‌های عظیم تمدنی و فرهنگی داشته و با اتکا به همین مؤلفه‌ها می‌تواند دیپلماسی فرهنگی فعالی را ایفا کند باید به این عرصه توجه بسیار بیشتری داشته باشد. طبیعتاً دیپلماسی فعال و پویای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جهان در جهت نیل به همگرایی مطلوب منطقه‌ای و همچنین دستیابی به اهداف فرهنگی خود مستلزم تقویت و توجه بیش از پیش به مقوله‌ها و عناصر مختلف فرهنگی، تمدنی، تاریخی، هویتی، دینی و زبانی مشترک مردم این منطقه است (ابراهیمی فر، ۱۳۸۰: ۲۴). موفقیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از آنجا حائز اهمیت فراوان است که زیربنای فرهنگی موفق سیاست خارجی کشور پتانسیل عظیمی برای تأمین اهداف و خواسته‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی در راستای تحقق جامعه‌ای برخوردار از روابط رو به توسعه در

تعامل با جهان، مبتنی بر منافع ملی فراهم می‌سازد (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱). براین اساس منزلت افزایی و نفوذ در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از طریق ابزارهای زیر حاصل شود:

- ارائه هویت، شخصیت و روح فرهنگی - تمدنی ملت باستانی ایران
- نمایش و عرضه ارزش‌ها و خاصه‌های فرهنگی ایران.
- ارائه تصویر واقعی و مثبت از مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان ملتی متمدن، با فرهنگی سازنده و زاینده.
- نمایش و ترویج ارزش‌های فرهنگی مشترک ایران به سایر ملل جهان. ارزش‌هایی چون عدالت، مردم سالاری، آزادی، انسان دوستی و کرامت بشر
- فراهم ساختن بستر و زمینه لازم برای برقراری تماس با افکار عمومی سایر کشورها.
- کمک به ایجاد اعتماد و تسهیل اعتمادسازی با سایر کشورها و ملت‌ها که زمینه‌ساز همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی با آنان خواهد بود.
- ایجاد روابط گسترش یابنده در تعامل با جهان مبتنی بر منافع ملی
- پیشبرد راهبرد گفت و گوی میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی
- گسترش همکاری و حضور کارآمد در مجموعه‌ها و معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی.
- توسعه همکاری همه جانبه با کشورهای دوست منطقه و مشارکت بین‌المللی برای حفظ صلح (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱).

۲. نوآوری تحقیق

بسیاری از پژوهش‌ها در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با اتکا به منابع کتابخانه‌ای و با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و ابزار فیش برداری صرف انجام گرفته است و به همین دلیل امکان اثبات دیدگاه‌های مطرح شده در این تحقیقات وجود نداشته است اما این مقاله تلاش داشته تا با استفاده از رویکرد اثباتی و روش تحقیق کمی به اثبات مفروضات پژوهش بپردازد. به عبارت دقیق‌تر این مقاله تلاش کرده تا از حوزه صرف دانش ۱ و بیان دیدگاه خارج شده و پا به عرصه علم ۲ بگذارد. لذا نوآوری این مقاله در روش تحقیق اثباتی است.

۳. روش شناسی

روش تحقیق این مقاله، بر مبنای هدف کاربردی، با توجه به زمان، از نوع مقطعی؛ از نظر نوع داده کیفی - کمی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی - پیمایشی است. در این تحقیق به منظور جمع‌آوری داده‌ها از دو طریق مصاحبه و پرسشنامه به صورت میدانی استفاده شده است و اطلاعات گردآوری شده، توصیف، تبیین و آزمون‌های لازم انجام پذیرفته است. این داده‌ها از دل جامعه و نمونه آماری که همان خبرگان و متخصصین حوزه سیاست خارجی هستند گردآوری شده‌اند. برای نمونه‌گیری تحقیق با توجه به محدود بودن تعداد جامعه تحقیق (۳۲ نفر) از روش تمام شماری استفاده شده است. لذا تعداد نمونه و جامعه این تحقیق یکسان و برابر می‌باشد. گاهی اوقات ممکن است پژوهش‌ای اجاب کند که اطلاعاتی از افراد و گروه‌های خاصی به دست آورده شود، یعنی انواع خاصی از افراد که قادر به ارائه اطلاعات موردنظر پژوهشگر هستند؛ زیرا آنها تنها افرادی هستند که می‌توانند چنین اطلاعاتی ارائه دهند یا برخی از معیارهایی که پژوهشگر تدوین کرده مطابقت دارند (دلاور، ۱۳۹۳). برای جمع‌آوری داده‌ها با در نظر گرفتن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های پس از انقلاب، شاخص‌های تحقیق نوشته شده و با این خبرگان در میان گذاشته شد. نظرات این خبرگان بعد از سه بار مصاحبه حضوری گرفته و شاخص‌های استکبارستیزی؛ همگرایی اسلامی و منزلت‌افزایی تأیید شد. برای بررسی روایی تحقیق پرسشنامه اولیه در جلسات حضوری با ۱۵ نفر از خبرگان این حوزه، بررسی و نقطه نظرات ایشان بعد از رفت و برگشت‌های مکرر اعمال گردید که این مهم جهت روایی محتوای تحقیق صورت پذیرفت. لازم به ذکر است پرسشنامه نهایی دارای ۱۳ سؤال تخصصی یا گویه در سه بخش استکبارستیزی (۴ سؤال)؛ همگرایی اسلامی (۵ سؤال)؛ و منزلت‌افزایی (۴ سؤال) می‌باشد.

همچنین بعد از این مرحله، یک پیش‌آزمون پایایی، با استفاده از آلفای کرونباخ بر روی پرسشنامه بین همان ۱۵ نفر خبره صورت گرفت و آلفای کرونباخ همه متغیرهای تحقیق بالای ۰/۷ شده که نشان از پایا بودن پرسشنامه تحقیق دارد. جهت بررسی نهایی پایایی پرسشنامه نیز، آلفای کرونباخ با استفاده از داده‌های نهایی محاسبه که نتایج این قسمت نیز نشان از پایا بودن سؤالات تحقیق دارد (مقدار آلفای کرونباخ نهایی نیز بالای ۰/۷ بوده است).

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از نمونه‌ها، هم از روش‌های آمار توصیفی و هم از روش‌های آمار استنباطی استفاده شده است. در بخش استنباطی با به‌کارگیری آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف؛ تحلیل واریانس، تعقیبی بونفرنی و تی با استفاده از نرم افزار

SPSS، آنالیزها انجام شده است.

اعتبار و پایایی ابزار اندازه‌گیری پژوهش

منظور از اعتبار^۱ این است که براین امر دلالت دارد که شیوه یا ابزار جمع‌آوری داده‌ها تا چه حد به درستی آنچه را که قرار است بسنجد، می‌سنجد و آیا روش یا ابزار سنجش برای هدف موردنظر کارایی لازم را دارد (میرزایی، ۱۳۹۲، ۳۲۶). در روایی ظاهری درواقع بررسی می‌کنیم که آیا متخصصین تأیید می‌کنند که، ابزار همان چیزی را که از نام آن استنباط می‌شود، می‌سنجد؟ به منظور سنجش روایی پرسشنامه، پرسشنامه و محتوای آن تحت بررسی اساتید محترم راهنما و خبرگان قرار گرفته و بعد از اعمال نظرات اصلاحی ایشان، درنهایت پرسشنامه توزیع شده است. علاوه بر این برای روایی پرسشنامه از روایی محتوا استفاده شده است. اعتبار محتوا که به آن اعتبار منطقی^۲ نیز گفته می‌شود به این امر دلالت دارد که آیا شیوه یا ابزار جمع‌آوری داده‌ها به خوبی معرف همان محتوایی است که باید اندازه‌گیری شود. لاوشه^۳ یک روش پرکاربرد را برای سنجش اعتبار محتوا ابداع کرد و فرمولی برای آن ارائه داد که به آن نسبت اعتبار محتوا^۴ گفته می‌شود. که در این روش میزان موافقت میان ارزیابان یا داوران در خصوص «مناسب یا اساسی بودن» یک گویه خاص اندازه‌گیری می‌شود. براساس جدول سی . وی . آر، با توجه به تعداد ۱۰ ارزیاب، حداقل مقدار قابل قبول سی . وی . آر، ۰/۶۲ می‌باشد. سوالاتی که مقدار CVR کمتر از ۰/۶۲ اختیار کرده‌اند، از پرسشنامه کنار گذاشته شده‌اند. برای تمامی سوالات باقیمانده پرسشنامه مقدار CVR از ۰/۶۲ بزرگتر بوده است.

پایایی (قابلیت اعتماد)^۵ ابزار پژوهش

ملاک پایایی^۶، درباره اینکه شیوه یا ابزار جمع‌آوری داده‌ها تا چه حد داده‌های دقیق و موثقی را استخراج می‌کند و یا شیوه یا ابزار جمع‌آوری داده‌ها تا چه حد درست و باثبات است و نتایج همسان به دست می‌دهد، اطلاعاتی را فراهم می‌کند (همان منبع، ۳۱۱). برای این تحقیق از آلفای کرون باخ

-
- 1 Validity
 2. Logical Validity
 3. Lawshe
 4. Content Validity Ratio
 - 5 Reliability
 - 6 Reliability

جهت بررسی پایایی پرسشنامه استفاده شده است. در روش آلفای کرون باخ، بین نمره تک تک گویه‌ها با کل نمره ابزار آزمون همبستگی گرفته می‌شود و در آن فرض بر این است که انتظار می‌رود افرادی که در گویه معینی نمره معینی را می‌گیرند در گویه‌های دیگر نیز آن گونه عمل نمایند، چون همه گویه‌های ابزار طراحی شده در راستای سنجش یک چیز یا خصیصه معینی هستند. بر اساس جدول زیر مشخص می‌شود که مقدار آلفا برای تمام متغیرها دارای مقداری بالاتر از ۰/۷ است که نشان دهنده اعتبار پرسشنامه و برداشت فکری مناسب و یکسان پاسخگویان از محتوای متغیرهای مربوط به هر سازه است.

جدول ۳ - ۲: مقدار آلفای کرون باخ برای متغیر تحقیق

پرسشنامه	ضریب آلفای کرون باخ	متغیر	ضریب آلفای کرون باخ
کل	۰/۹۰۸	استکبارستیزی	۰/۷۸۷
		هم‌گرایی اسلامی	۰/۸۰۲
		منزلت‌افزایی و نفوذ	۰/۸۱۱

۴. یافته‌های پژوهش

همان‌طور که ذکر شد در این مقاله به دنبال بررسی سیاست‌های اعمال شده در دستگاه دیپلماسی دولت‌های پس از دفاع مقدس بر اساس سه فرضیه مشخص شده در حیطه‌های استکبارستیزی، هم‌گرایی اسلامی و منزلت‌افزایی و نفوذ در سه دولت پنجم و ششم، هفتم و هشتم، نهم و دهم بوده است و با استفاده از تحلیل‌های صورت گرفته نتایج زیر حاصل شد:

جدول ۱: مقایسه سه دولت از منظر سه شاخص این تحقیق با استفاده از آمار توصیفی با میانگین

نظری ۳

ردیف	متغیر	میانگین نظرات برای	میانگین نظرات برای	میانگین نظرات برای	توضیحات
		دولت پنجم و ششم (الف)	دولت هفتم و هشتم (ب)	دولت نهم و دهم (ج)	
۱	استکبارستیزی	۳/۶۷	۳/۱۲	۳/۷۲	دولت‌های الف و ج وضعیت مطلوب‌تری از نظر استکبارستیزی داشته‌اند.
۲	هم‌گرایی اسلامی	۳/۲۸	۲/۹۹	۳/۳۴	دولت‌های الف و ج وضعیت مطلوب‌تری از نظر هم‌گرایی اسلامی داشته‌اند.
۳	منزلت‌افزایی و نفوذ	۳/۶۹	۳/۵۸	۳/۵۵	تفاوت معناداری بین دولت‌های الف و ب و ج از نظر منزلت‌افزایی و نفوذ وجود ندارد.

۴ - ۱ فرضیه نخست:

رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های پس از جنگ مبتنی بر استکبارستیزی بوده است.

تحلیل: نتایج آزمون تحلیل واریانس برای این متغیر استکبارستیزی از تفاوت معنادار حداقل دو دولت از سه حکایت دارد. مقایسه دویه‌دوی میانگین‌ها به وسیله آزمون تعقیبی بونفرونی نیز نشان می‌دهد که میانگین استکبارستیزی دولت‌های پنجم و ششم و همچنین نهم و دهم در مقایسه با دولت هفتم و هشتم به طور معناداری بیشتر است و بین دو دولت پنجم، ششم و دولت نهم، دهم اختلاف معناداری وجود ندارد.

جدول ۲: نتایج آزمون‌های t تک نمونه‌ای جهت بررسی رویکرد استکبارستیزی دولت‌های پس از

جنگ

دولت	میانگین نمونه	مقدار مرجع	مقدار t	درجات آزادی	سطح معناداری
پنجم و ششم	۳/۶۷	۳	۳/۶۳	۳۱	**/۰.۰۰۱
هفتم و هشتم	۳/۱۲	۳	۱/۶۱	۳۱	۰/۱۲
نهم و دهم	۳/۷۲	۳	۷/۰۴	۳۱	**/۰.۰۰۱

بر اساس نتایج آزمون تی یک نمونه‌ای برای متغیر استکبارستیزی مقدار آماره تی بزرگ‌تر از مقدار بحرانی شده است (سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ شده است) و نشان از بالاتر بودن میانگین استکبارستیزی دو دولت مذکور پس از جنگ، از میانگین نظری (۳) دارد که نشان می‌دهد رویکرد استکبارستیزی دولت پنجم و ششم و دولت نهم و دهم پس از جنگ، با اصول و ارزش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همسویی داشته است.

جدول ۳ نتایج آزمون بونفرونی جهت مقایسه‌ی جفتی دولت‌های پس از جنگ در متغیر

استکبارستیزی

سطح معناداری	خطای استاندارد	مراحل آزمون	
**/۰.۰۰۱	۰/۱۲	دولت هفتم و هشتم	دولت پنجم و ششم
۱/۰۰	۰/۱۰	دولت نهم و دهم	
**/۰.۰۰۱	۰/۱۲	دولت نهم و دهم	دولت هفتم و هشتم

۴ - ۲ فرضیه دوم:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های پس از جنگ باهدف همگرایی اسلامی جهت-گیری شده بود.

تحلیل: نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد که حداقل دو دولت از سه دولت تحت بررسی، اختلاف معناداری از منظر هم‌گرایی اسلامی دارند. آزمون تعقیبی بونفرونی نشان می‌دهد که میانگین هم‌گرایی اسلامی دولت‌های پنجم و ششم و همچنین نهم و دهم در مقایسه با دولت هفتم و هشتم به‌طور معناداری بیشتر است و بین دو دولت پنجم، ششم و دولت نهم، دهم اختلاف معناداری وجود ندارد.

جدول ۴: نتایج آزمون‌های t تک نمونه‌ای جهت بررسی رویکرد همگرایی اسلامی دولت‌های پس از

جنگ

دولت	میانگین نمونه	مقدار مرجع	مقدار t	درجات آزادی	سطح معناداری
پنجم و ششم	۳/۲۸	۳	۳/۰۳	۳۱	**/۰۰۵
هفتم و هشتم	۲/۹۹	۳	۰/۰۶	۳۱	۰/۹۵
نهم و دهم	۳/۳۴	۳	۳/۷۰	۳۱	**/۰۰۱

بر اساس نتایج آزمون تی یک نمونه‌ای برای متغیر استکبارستیزی مقدار آماره تی بزرگ‌تر از مقدار بحرانی شده است (سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ شده است) و نشان از بالاتر بودن میانگین استکبارستیزی دو دولت مذکور پس از جنگ از میانگین نظری (۳) دارد که نشان می‌دهد رویکرد همگرایی اسلامی دولت پنجم و ششم و دولت نهم و دهم پس از جنگ، با اصول و ارزش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همسویی داشته است.

جدول ۵ نتایج آزمون بونفرونی جهت مقایسه‌ی جفتی سه دولت در متغیر همگرایی اسلامی

مراحل آزمون	خطای استاندارد	سطح معناداری
دولت پنجم و ششم	۰/۰۸	**/۰۰۷
دولت نهم و دهم	۰/۰۸	۱/۰۰
دولت هفتم و هشتم	۰/۰۷	**/۰۰۰۱

۴ - ۳ فرضیه سوم:

منزلت افزایشی و نفوذ یکی از مؤلفه‌های رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های پس از جنگ بوده است.

تحلیل: نتایج آزمون تحلیل واریانس برای متغیر منزلت افزایشی و نفوذ نشان می‌دهد که دولت‌های پس از جنگ با یکدیگر متفاوت نیست.

همچنین نتایج آزمون تی یک نمونه‌ای برای این متغیر مطابق جدول ۴، نشان از بالاتر بودن میانگین منزلت افزایشی و نفوذ سه دولت مذکور پس از جنگ از میانگین نظری (۳) دارد که بیانگر این است که رویکرد منزلت افزایشی و نفوذ دولت‌های پس از جنگ، با اصول و ارزش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همسویی داشته است.

جدول ۶: نتایج آزمون‌های t تک نمونه‌ای جهت بررسی رویکرد منزلت افزایشی و نفوذ دولت‌های پس از جنگ

دولت	میانگین نمونه	مقدار مرجع	مقدار t	درجات آزادی	سطح معناداری
پنجم و ششم	۳/۶۹	۳	۵/۷۱	۳۱	**/۰۰۰۱
هفتم و هشتم	۳/۵۸	۳	۷/۱۳	۳۱	**/۰۰۰۱
نهم و دهم	۳/۵۵	۳	۴/۵۹	۳۱	**/۰۰۰۱

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مطالعه داده‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که در طول نزدیک به ۴ دهه از عمر انقلاب اسلامی، سیاست خارجی این کشور تحت تأثیر ارزش‌ها و اصول انقلاب اسلامی، دیدگاه‌های حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری بوده است. این ارزش‌ها، خود ریشه در اصول و اعتقادات اسلامی و قرآنی دارد. مهم‌ترین مؤلفه‌های این سیاست خارجی را می‌توان در سه شاخصه استکبارستیزی، همگرایی اسلامی و منزلت افزایشی و نفوذ جستجو کرد که در دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی و به ویژه دولت‌هایی که پس از دفاع مقدس بر سرکار آمده‌اند نیز قابل مشاهده بوده‌اند، که این مهم نشان از همراستا بودن شاخص‌های این مقاله با واقعیت موجود کشور در بعد از انقلاب اسلامی دارد. با این حال نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تأکید بر این شاخص‌ها در دولت‌های مختلف متفاوت بوده است. بدین ترتیب که دولت‌های پنجم و ششم و نهم و دهم در مؤلفه‌های

استکبارستیزی و همگرایی اسلامی همسویی بیشتری با اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های رهبری و حضرت امام نشان داده‌اند؛ و این همسویی در دولت‌های هفتم و هشتم کمتر دیده شده است. با این حال در شاخص منزلت افزایی و نفوذ تفاوت کمتری در سیاست خارجی دولت‌های مذکور مشاهده شده است. نکته دیگری که قابل ذکر است تداوم یک مسیر مشخص در اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دهه‌های پس از انقلاب است. صلح طلبی، رفتار مسالمت آمیز، عدم دخالت در امور کشورهای دیگر، مقابله با ظلم و ستمگری و تعدی دولت‌های استکباری، دفاع از حق مظلومان و ملت‌های مستضعف در برابر دولت‌های زیاده خواه، عدالت طلبی و آرمان خواهی که از سوی رهبران نظام برای دولت‌های پس از انقلاب توصیه و تأکید شده، نشان می‌دهد آیت الله خامنه‌ای نیز همان اصولی مورد تأکید امام خمینی را مدنظر داشته و بر آنها در رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پافشاری می‌نماید.

به‌طور خلاصه نتایج تحقیق را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- استکبارستیزی دولت‌های پنجم و ششم و همچنین نهم و دهم در مقایسه با دولت هفتم و هشتم به‌طور معناداری بیشتر است و بین دو دولت پنجم، ششم و دولت نهم، دهم اختلاف معناداری وجود ندارد.
- رویکرد استکبارستیزی دولت پنجم و ششم و دولت نهم و دهم پس از جنگ، با اصول و ارزش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همسویی داشته است.
- همگرایی اسلامی دولت‌های پنجم و ششم و همچنین نهم و دهم در مقایسه با دولت هفتم و هشتم به‌طور معناداری بیشتر است و بین دو دولت پنجم، ششم و دولت نهم، دهم اختلاف معناداری وجود ندارد.
- رویکرد همگرایی اسلامی دولت پنجم و ششم و دولت نهم و دهم پس از جنگ، با اصول و ارزش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همسویی داشته است.
- در رویکرد منزلت افزایی و نفوذ دولت‌های پس از جنگ تفاوت معناداری وجود ندارد.
- رویکرد منزلت افزایی و نفوذ دولت‌های پس از جنگ، با اصول و ارزش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همسویی داشته است.
- دولت‌های پس از جنگ در سه شاخص فوق به ترتیب در شاخص منزلت افزایی، استکبارستیزی و منطقه گرایی موفق‌تر عمل کرده‌اند.
- از منظر شاخص‌های استکبارستیزی دولت‌های پنجم و ششم؛ و نهم و دهم وضعیت مطلوب‌تری

نسبت به دولت هفتم و هشتم دارند.

منابع فارسی

- ۱) ابراهیمی فر، طاهره. (۱۳۸۰). *الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
- ۲) ازغندی، علی‌رضا (۱۳۸۱). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: قوم
- ۳) اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۱). «راهبردها و بایسته‌های سیاست خارجی و دی‌پلماسی جمهوری اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری»، مجله رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۱۹
- ۴) امینیان، بهادر، عسگریان، محسن، توتونچی، عباسعلی. (۱۳۹۱). *تحلیلی تئوریک جایگاه انواع دی‌پلماسی اجبارآمیز در سیاست خارجی آمریکای کبک* (بر اساس تئوری سازه-انگاری)، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲۹،
- ۵) جمالی، جواد. (۱۳۹۰). *مدل تئوریک تحلیلی افراط‌گرایی (با کاربری نظریه سازه‌انگاری)*، فصلنامه آفاق جهان، شماره ۱۲.
- ۶) حسین زاده، محمدعلی (۱۳۸۶)، *گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۷) حق پناه، جعفر. (۱۳۹۰). *هویت، قومیت و سیاست خارجی در خاورمیانه*، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۱
- ۸) حقیقت، سید صادق. (۱۳۸۵). *مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی*.
- ۹) دلاور، علی (۱۳۹۳)، *مبانی نظری و عملی پژوهش*، تهران، رشد.
- ۱۰) دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۸). *امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۱.
- ۱۱) دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ذبیحی، رضا (۱۳۹۱)، *تأثیر هویت اسلامی - انقلابی بر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‌ای در دوره خاتمی و احمدی*

- نژاد، مجله علوم سیاسی (باقرالعلوم)، سال پانزدهم، شماره ۵۹، صص ۱۰۲ - ۷۵
- ۱۲) رمضان، روح‌الله. (۱۳۸۰). چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر نی.
- ۱۳) علم الهدی، سید محمدحسین (۱۳۹۳) مفهوم شناسی وحدت و همگرایی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم
- ۱۴) قربانعلی زاده، قربانعلی (۱۳۸۶): روابط بین الملل از دیدگاه امام، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
- ۱۵) محمدی، منوچهر، مولانا، حمید (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی نژاد، تهران، نشر دادگستر.
- ۱۶) میرزایی، خلیل. (۱۳۹۲). پژوهش، پژوهش‌گری و پژوهش‌نامه نویسی. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- ۱۷) هومن، حیدر علی (۱۳۹۳)، مدل‌سازی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۸) ونت، الکساندر. (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین الملل. ترجمه: حمید-رامشیر زاده، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۹) ازغندی، علی‌رضا (۱۳۷۸)، تنش‌زدایی در سیاست خارجی: مورد جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۷ - ۱۳۶۷)، مجله سیاست خارجی، سال سی‌زدهم، شماره ۵۲، صص ۱۰۴۷ - ۱۰۳۵
- 1) Davood Gharayagh Zandi, "Conceptualization of Islamic Solidarity in Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, *the Iranian Journal of International Affairs* XX, no.1 (Winter 2007-08)
 - 2) Dehghani Firozab Abadi, S. J. "Emancipating Foreign Policy: Critical Theory and Islamic Republic of Iran's Foreign Policy," *The Iranian Journal of International Affairs* XX, No.3 (Summer 2008).
 - 3) Halliday, Fred (2001), Iran and the Middle East: Foreign Policy and Domestic Change, *East Report*, No. 220, pp. 42-47 Iran Gets Support for Ban on Nuke Plant Attacks", *ABC News*, August 26, 2009.
 - 4) Magdalena Charlotte Delgado (2015), A Constructivist Analysis of Religion's Role in Foreign Policy: *The cases of Israel, Iran and Saudi Arabia under the leaderships of Menachem Begin, Ayatollah Khomeini and Fahd bin Abdulaziz*, The London School of Economics and Political Science

- 5) Mohammad Nia, Mahdi, A Holistic Constructivist Approach to Iran's Foreign Policy *International Journal of Business and Social Science* Vol. 2 No. 4; March 2011
- 6) Moshirzadeh, Homeira, "Discursive Foundations of Iran's Nuclear Policy, *Security Dialogue* 38, no. 4 (December 2007).
- 7) Norouzi, Nour Mohammad, "Evolution of Political Discourse and Dynamism in the Pattern of Iran Foreign Policy Actions," *Rahbord Quarterly*, no.31 (Spring 2004).
- 8) Ramazani, Rohollah(2004), Ideology and Pragmatism in Iran's Foreign Policy, *MIDDLE EAST JOURNAL* , VOLUME 58, NO. 4.
- 9) Press TV, Mar 4, 2009.
- 10) Sahife' Noor (*letters and lectures of Ayatollah Khomeini*), vol. 3, (Tehran, 1982): 83-8 <http://www.presstv.ir/detail.aspx?id=87465§ionid=3510302> (accessed 25 Aug 2010).
- 11) Statement by Islamic Revolution Supreme Leader Ayatollah Khamenei in a meeting with foreign policy authorities and ambassadors, *Iran Newspaper* 20/08/2007.
- 12) Susanne G ratius and Henner Furtig, " *Iran and Venezuela: Bilateral alliance and global power projections*, ", *FRIDE*, 03/05/2009, www.fride.org/download/COM_Iran_Venezuela2_ENG_abril09.pdf, (accessed 10 Dec 2010).
- 13) Walt, S. (1997) *Revolution and War*. New York: Cornell University Press.